

نقش معلم و شاگرد در یاددهی^۱

ویلیام داگلاس اسمیت^۲، ترجمه اختر فریدی

تأکید این مقاله بر لزوم یک طرح خوب، منسجم و صحیح در آموزش «نوشتن» در کلاسهای تیزهوشان است و همچنین اشتباهاتی که مدارس ممکن است در محتوا و روند کار، مرتکب شوند بگونه‌ای که نیاز به تغییر محتوا و روش بصورت یک ضرورت اجتناب ناپذیر، احساس شود. در ضمن راهنمایی‌ها و پیشنهادهای لازم را جهت رشد این توانایی در دانش‌آموزان ارائه می‌دهد.



در دهه اخیر در این زمینه مقالات و نشریات زیادی منتشر شده و متخصصین در وجود چنین نیازی برای دانش‌آموزان تیزهوش و در اولویت قرار دادن چنین طرحی در برنامه‌های آموزشی آنها متفق القول هستند. «نوشتن» در برنامه تیزهوش باید از اولویت خاصی برخوردار باشد. کودکان تیزهوش مثل بسیاری از کودکان عادی در زمینه نوشتن دچار مشکل هستند. علی‌رغم اعتقاد هنگامی بر نیاز به آموزش این مهارت در مورد چگونه آموزش دادن این تکنیک بحث‌های بسیاری وجود دارد. در تحقیقات «بیشاپ» استاد دانشگاه برکلی (کالیفرنیا) (۱۹۷۸) آمده است که دانشجویان سال اول این دانشگاه که از بین ۱۲/۵٪ دانشجویان ممتاز دبیرستانهای کالیفرنیا می‌باشند، پس از ورود به دانشگاه حدود ۴۰٪ آنها نیاز به گذراندن دوره‌های جبرانی در زبان انگلیسی دارند. در ۱۹۷۵ دانشگاه «استنفرد» از بین دانشجویانی که در (آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی) (SAT) نمره بالای ۷۰۰ آورده بودند، با یک آزمون ورودی زبان مشخص شد که ۳/۴ این دانشجویان نتوانستند در آزمون ورودی زبان دانشگاه که تأکید آن بر مهارت نوشتن بود نمره قابل قبول بیاورند. در سال ۱۹۸۲ نتیجه نامطلوبی که از تحقیق دیگری در مورد ۱۰۷ دانش‌آموز سیزده ساله، بدست آمد، نشان داد که با وجودی که این دانش‌آموزان در زمینه قواعد نگارش، دیکته و دستور زبان، توانایی‌های لازم را دارا بودند ولی در رسانیدن پیام و عقاید خود از قدرت خلاقه و توانایی‌های چندانی برخوردار نبودند، این شکست متوجه نحوه آموزش آنها بود. پس این سؤال مطرح است که:

- مدارس در چه مورد راه غلط را در پیش گرفته‌اند؟
- چه نوع راهنمایی و آموزشی از طرف مدرسه به آنها داده می‌شود که منجر به نوشتن نادرست و غیرقابل قبول می‌گردد که در واقع می‌توان گفت که آموزش صحیح در این زمینه به آنها داده نشده است.

«آزبورن» در ماهنامه آموزش تیزهوش (۱۹۸۶) به چند مورد از این مشکلات اشاره می‌کند:

- دانش‌آموزان کاربرد صفات و کلمات ربط دهنده و تراکم لغات در جمله را از ویژگی‌های مهم نوشتن می‌دانند و تصور می‌کنند که نوشتن به معنی پهلوی هم قرار دادن لغات متعدد در یک ساختار پیچیده برای بیان یک فکر است. آنها نوشتن و صحبت کردن را مهارت‌های مجزا از هم می‌دانند و در صورتی که این ادعا صحیح باشد، چنانکه متخصصین آموزش آنرا باور دارند، تغییر برنامه و محتوای آموزش زبان برای تیزهوشان غیرقابل انکار است. این تغییر برنامه، محتوا و روش با توجه به نحوه تفکر باز و «واگرا» در بیان عقاید باید بر هدف تحلیل و بررسی مفاهیم مبتنی باشد و نه اینکه صرفاً حفظ کردن و استفاده از حافظه را مد نظر قرار دهد. فعالیتهای گروهی و کارهای نمایشی توأم با ارزشیابی مستمر دانش‌آموزان، دست‌اندرکاران آموزش را از «پسخوراند»های^۳ لازم آگاه خواهد کرد. طبق نظر «کاپلن» (۱۹۷۹) در برنامه‌های آموزش «نوشتن»، دانش‌آموز باید امکان مواجهه با

موقعیتها را داشته باشد و به او فرصت تحلیل آن موقعیت داده شود و پس از آن مورد ارزشیابی قرار گیرد. در حالی که پیش می‌آید در مرحله اول یعنی مواجه شدن با موقعیت و فرصت تحلیل داشتن که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند اکثراً نادیده انگاشته شده و فقط عملاً مرحله ارزشیابی، جدی گرفته می‌شود. در ضمن باید به خاطر داشت که دانش‌آموزان تیزهوش در سرعت جذب اطلاعات و عمق علایق آنها به یادگیری با کودکان عادی متفاوت هستند. پس در انتخاب مطالبی که جهت ایجاد انگیزه در آنها به کار می‌رود می‌توان از موضوعات متنوع و متعددی در زمینه مسائل اجتماعی و اخلاقی استفاده کرد. در بحث‌های اجتماعی و اخلاقی، کودکان تیزهوش به بحث و جدل‌های طولانی و دنباله‌دار اصرار می‌ورزند و برای بالا بردن دانش پایه این دانش‌آموزان، جهت داشتن عقاید مناسب برای بحث در زمینه‌های ادبی، تجربیات حسی و مواجه شدن با صحنه‌های واقعی زندگی به قدرت خلاقه و توان ذهنی آنها می‌افزاید. به این ترتیب می‌توان گفت علوم تجربی و علوم اجتماعی، زمینه‌های غنی‌سازی این اطلاعات پایه هستند. این اطلاعات به شکل‌های گزارش، نقل داستان، نامه‌نگاری و خلاصه‌نویسی می‌توانند ارائه شوند. مرحله «تحلیل موقعیت» از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مرحله است که دانش‌آموزان با تکنیک و روش تحلیل مسائل آشنا می‌شوند به آنها باید آموزش داده شود که چگونه با موضوعات ادبی و نوشته‌های دیگران برخورد صحیح داشته باشند و قادر به ارزشیابی و مقایسه و مقابله مسائل و موضوعات باشند. این آگاهی به آنها کمک خواهد کرد تا بتوانند نوشته‌های خودشان را نیز بررسی و تحلیل کنند. یک اصل کلی در ایجاد خلاقیت در نوشتن، دادن فرصتهای مختلف برای نوشتن به شکل‌های گزارش، نقل داستان، نوشتن قطعات توصیفی و بیانی است باضافه این فرصتهای همراهی‌های معلم باید دائماً بصورت تصحیح کار شاگرد باشد. گویانکه دانش‌آموزان تیزهوش در یادگیری مهارت نوشتن نیاز به آموزشی در حد دانش‌آموزان عادی ندارند ولی نکته قابل اهمیت این است که باید از یک آموزش منظم و اصولی برخوردار باشند، چه دیده شده است که آنها نیز در ترکیبات پیچیده و جملات طولانی اکثراً دچار اشکال می‌شوند و نیاز به راهنمایی و آموزش در شناخت ساختارهایی که از اجزاء تشکیل دهنده اصلی در یک جمله مرکب می‌باشند کاملاً محسوس است.

در کلاسهای اول و دوم راهنمایی از طریق ترکیب جملات و فعالیتهایی که قدرت خلاقیت را بالا می‌برد می‌توان مهارت نوشتن را در دانش‌آموزان بالا برد. این فعالیتهای می‌تواند بصورت گروهی یا انفرادی از آنها خواسته شود. تکالیفی نظیر خلاصه کردن کتاب، یادداشت برداشتن از برخی نوشته‌ها، مقایسه و مقابله بعضی آثار می‌تواند بسیار آموزنده باشد و قدرت تعمیم دانش‌آموز را بالا ببرد.

تمام آنچه که تاکنون مطرح شد وقتی مؤثر خواهد بود که با توجه به زمان صحیح، سطح آگاهی و با روش صحیح ارائه شود. هسته مرکزی تمام این فعالیتهای با توجه به مراحل صحیح حل مسئله، بالا بردن قدرت تفکر انتزاعی و انتقادی در دانش‌آموزان است. سطوح و طبقه‌بندی یادگیری «بلوم» در تمام این مراحل باید مد نظر باشد. بطور مثال در مورد رشد جمعیت یک منطقه ممکن است از دانش‌آموز خواسته شود که از منابع و مقالات مشخص، نکاتی را جمع‌آوری نماید که در آن صورت، سطح یادگیری در حد یادآوری مفاهیم است. چنانچه بخواهیم سطح یادگیری را به حد تحلیل مفاهیم افزایش دهیم، از دانش‌آموز خواهیم خواست که همان مقالات و نوشته‌ها را بررسی و تحلیل نماید و در صورتی که در سطح ترکیب و ارزشیابی تکلیف از دانش‌آموز خواهیم خواست که همان مقاله را ارزشیابی نموده و نظر خود را درباره آن بنویسد. این روش در تمام سطوح آموزش قابل اجراست و در سطوح پایینتر اثبات مثبت آن بارزتر است.

«وست» (۱۹۸۰) تعقیب این مراحل را در تمام مقاطع آموزش با رعایت توالی بعضی اصول مورد تأکید قرار می‌دهد:

- ایجاد انگیزه می‌تواند به صورت نمایش فیلم، خواندن داستان، گردش علمی، و مواجه شدن با موقعیت‌های حقیقی باشد.
- ارتباط منطقی بین اطلاعات قبلی و موضوع مورد بحث، و فرصت بحث و پرسش و پاسخ جهت مقایسه و مقابله و تحلیل موقعیت به دانش‌آموز داده شود.
- بارش مغزها، بحث و تبادل نظر گروهی، پروژه‌های تحقیقی و گاهی اوقات کارهای خلاقه‌ای چون فیلم‌سازی، فیلمنامه

نویسی و داستان پردازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

- در مرحله نهایی هماهنگی کار گروه‌های مختلف و جمع‌بندی فعالیت هر یک از گروه‌ها و ایجاد ارتباط منطقی بین کارهای مختلف با یکدیگر، با نگرشی انتقادی و سازنده را باید مدنظر داشت.

«رنزولی» (۱۹۷۷) که از طرفداران روش‌های به‌کارگیری حل مسئله است، معتقد است که چنانچه دانش‌آموز خود در یافتن پاسخ نهایی درگیر باشد، اثرات یادگیری پایدارتر است. او فعالیت‌های انفرادی و گروهی (گروه‌های کوچک و گروه‌های بزرگ) را پیشنهاد می‌کند. وی، (گروه‌های کوچک و گروه‌های بزرگ) چون اکثراً از منتشر شدن کارهایشان لذت می‌برند و از اینکه بازده مشخصی از فعالیت خود در دست داشته باشند، ارضا می‌شوند در نتیجه کارهایشان را نباید بدون جواب گذاشت و باید نقاط قوت و ضعف آنها را برایشان توضیح داد. مهارت نوشتن از جمله مهارت‌هایی است که دانش‌آموز باید دقیقاً نکات خوب یا بد کار خود را بشناسد و در تقویت یکی و رفع دیگری کوشش نماید. با دقت نوشتن و با دقت خواندن و دوباره خواندن آنچه را که نوشته است از موارد اصلی بالا بردن مهارت نوشتن است.

«گریوز» (۱۹۸۳) تأکید بسیاری بر «روند و روش» کار نوشتن، تا «بازده» و نتیجه کار دارد. او معتقد است که دانش‌آموزان را باید تشویق به نویسنده شدن کرد و این از مرحله انتخاب موضوع و انتخاب مخاطب شروع شده و تا چاپ و انتشار آن اثر ادامه دارد و در کل این فرآیند، نویسنده درگیر یک فعالیت ذهنی است تا اثری مناسب برای خواننده مورد نظر خود خلق نماید. تمایل به تفکر در نویسندگی، فرد را به نویسندگی اکتشافی مورد نظر خود هدایت می‌کند که این نوع نوشتن، آموختن و کسب اطلاع بیشتر در مورد موضوع را بدنبال خواهد داشت. معلمینی که به نویسندگی به روش اکتشافی تأکید دارند معتقدند که نویسنده هدفش از نوشته، بالا بردن سطح آگاهی در زمینه آن موضوع خاص است. بعضی از نویسندگان، اول شروع به نوشتن می‌کنند و بعد به آنچه مورد نظرشان است، می‌رسند در حالی که نمی‌دانند چه می‌نویسند و چگونه می‌نویسند. یعنی پس از اینکه درگیر مسئله شدند، از آنچه پیش آمده، نتیجه‌گیری می‌کنند. عده‌ای دیگر معتقدند که فرآیند نوشتن درباره یک موضوع را می‌توان بطور مشخص به سه مرحله قابل تمیز تقسیم کرد که عبارتند از کشف موضوع، ترتیب اجزاء موضوع، و روش و سبک ارائه موضوع. این گروه، نوشتن را یک حرکت ذهنی و اصولی می‌دانند و تجزیه و تحلیل مسائل و برنامه‌ریزی را در شروع کار، ضروری می‌دانند. به کار بستن هر یک از این دو دیدگاه در مورد تیزهوشان قابل اجراست و بستگی به فرد دارد برخی از نوشته‌ها از درون فرد نشئت می‌گیرد و برخی دیگر عمدی و برنامه‌ریزی شده است. یعنی پیش می‌آید که دانش‌آموزی پس از شروع به نوشتن به کشف آنچه که می‌خواهد بگوید، می‌رسد و یا از اول می‌داند که چه می‌خواهد بگوید و از روش و راهبرد خاصی تبعیت می‌کند. عده‌ای معتقد به ترکیب این دو نگرش هستند یعنی پس از انتخاب موضوع و برنامه‌ریزی اولیه ممکن است به کشف تازه‌ای رسید که در ابتدا قابل پیش‌بینی نبوده است. در مورد تحقیقات و گزارش‌های علمی اکثراً چنین پیش می‌آید. در پایان یک کار تحقیقی، دانش‌آموزان، یافته‌های خود را به صورت جداول و نمودارهایی ارائه می‌دهند.

در خاتمه باید یادآور شویم که تأکید معلم چه به روش و یا نتیجه کار باشد در هر دو صورت یک اصل مسلم وجود دارد و آن اینکه ارزشیابی کار شاگرد بوسیله معلم، بسیار قابل اهمیت است و پس‌خوراندن‌هایی که شاگرد از معلم دریافت می‌کند اگر مثبت بوده و با پیشنهادها و اصلاحی توأم باشد به بالا بردن سطح کار دانش‌آموز بسیار کمک خواهد کرد. ارزشیابی کار نوشتن اگر تنها بوسیله معلم انجام نشود و شاگرد هم در ارزشیابی کار، دخیل باشد به کار جنبه منصفانه و سازنده‌تری خواهد داد. می‌توان از شاگرد خواست که فهرستی، تهیه کند و نکاتی را که در کار خود قوی یا ضعیف تشخیص می‌دهد علامت بزند. این نکات می‌توانند شامل ترکیب فکر، ساختار جمله‌ها، نوع لغات و سایر اجزاء تشکیل دهنده یک نوشته باشد. زیرا در مورد تیزهوشان، یادگیری مؤثر، زمانی رخ می‌دهد که خود آنها جریان یادگیری را هدایت و نظارت کنند و بطور مستقیم درگیر در فرآیند و ارزشیابی یادگیری باشند. این نگرش به همراه انگیزه مثبت و نحوه ارزشیابی که مردود ندارد، به تقویت نتیجه کار می‌افزاید.

کودکان باهوش، قدرت و توان نوشتن را دارند و معلمین فقط باید به آنها در تقویت این توانایی کمک کنند و این بوسیله فراهم آوردن فرصت‌ها و فعالیتهایی است که به آنها، امکان تمرین بیشتر در ارزشیابی کارشان را بدهد و نباید فراموش کرد که وقتی نتیجه کار برایشان مهم است، روند کار باید از آنهم مهمتر باشد.^۴

○ ○ ○

یادداشتها

۱- Students and teachers at work: Writing in gifted and talented programs.

۲- William Douglas Smyth

۳- Feedback

۴- Gifted Education International v. ۳۶-۳۹.

○ ○ ○

